



آثار صبر بر معصیت از دیدگاه آیات و روایات

علی آبان‌گاه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

چکیده

در متون دینی و اخلاقی حقیقت صبر را داری اقسامی دانسته اند که از جمله آن‌ها صبر بر معصیت است. صبر بر معصیت معنایش آن است که وقتی انسان در موقعیت گناه قرار می‌گیرد، در برابر هواهای نفسانی و خواهش‌های نفس اماره و دعوت به لذت و کامیابی از گناه صبر کند و خود را در پرتو تقوا نگه دارد، تا به دام گناه نیفتد. چنین صبری دارای آثار روحی و معنوی است که مانند پاداش‌های اخروی، تضعیف‌گرایی‌های نفسی و تقویت‌گرایی‌های فطری، و این نوشتار قصد دارد مقوله صبر بر معصیت و آثار آن را بر اساس روش توصیفی، تحلیلی پیگیری نماید.

کلیدواژگان: صبر، معصیت، مصیبت، طاعت.

مقدمه

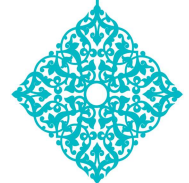
اخلاق انسانی برترین چیزی است که می شود انسان را با آن شناخت و هویت انسانی بسته به خلق و خوی اخلاقی اوست، از این رو تبیین هر چه بیشتر خلق و خوهای کمالی انسان و بسط اندیشه های اخلاقی به جامعه انسانی روشنی بیشتری می بخشد و انسان را در مسیر فهم بهتر و اخلاق بهتر قرار می دهد. ضرورت چنین مساله ای باعث شده است که نوشتار حاضر شک گیرد و پیرامون یکی از مهمترین کنش های اخلاقی یعنی صبر بر معصیت تدوین گردد.

صبر بر معصیت به معنای آن است که انسان در برابر میل و هوای نفس خود را کنترل نماید و تن به خواسته های نفسانی ندهد. این صبر دارای آثار و پیامدهایی است و می توان برای آن آثاری در نظر گرفت. در کتب بزرگان عرفان و اخلاق مثل مرحوم امام خمینی برای این مساله به صورت پراکنده و نه منسجم بحث هایی در این رابطه وجود دارد که بنظرمی رسد جمع آوری اندیشه های این را با یک نگاهی جمعی مطالعه نمود. از جمله آثار صبر بر معصیت در زندگی انسان از دیدگاه آیات و روایات صبر در فرهنگ اخلاقی می توان وانمود کردن نفس به آنچه عقل و شرع اقتضا می کند و بازداشتن نفس از چیزی که عقل و شرع نهی می کند و تسلط بر نفس و چیره شدن بر آن و در نتیجه سلامت معنوی و اخلاقی را بر شمرد.

مفهوم شناسی

معنای لغوی صبر

گاهی در دنیای ترجمه و بازگردان متن عربی به فارسی مشکلاتی نظیر انحراف از معنای حقیقی پیش می آید. از این منظر کتب لغت و لغت نویسان فارسی زبان ترجیح داده اند برخی لغات را معنای خاصی به زبان فارسی نیاورند و همان لفظ را صریح تر و شیوا تر می دانند. به نظر می رسد دلیل اینکه در برخی کتب لغت واژه صبر معنا نشده است همین مساله باشد. با این حال در برخی کتب ادبی برای این واژه معنایی آمده است. در اینجا برخی معانی لغوی صبر ذکر می شود. یک معنا از صبر را حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن نفس ذکر کرده اند و جوهری نیز صبر به «بازداشتن نفس از اظهار





بی‌تابی و بی‌قراری» معنا کرده است. (الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه) ج ۲، ص ۷۰۶) تقریباً از آنچه گفته شد می‌توان این‌گونه صبر را معنا کرد که صبر نوعی مهار کردن نفس است و اجابت نکردن نفس برای درخواست‌هایی که دارد. (مرز فضایل و رذایل اخلاقی، ص ۹۹،)

معنای لغوی و اصطلاحی معصیت

معصیت از عصی، و عصیان که در فارسی معادل آن گناه و نافرمانی می‌باشد. در از جمع بین معنای صبر و معصیت می‌توان این‌گونه نوشت که صبر بر معصیت به معنای مهار کردن نفس در برابر میل به گناه است. (میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۴۵) و در اصطلاح معصیت به معنی نگهداری نفس است بر طبق مقتضای عقل و شرع یا نگهداری نفس از آن چیزهایی است که عقل و شرع حکم بر حبس نفس از آنها می‌کنند. (مفردات الفاظ قران، ج ۲، ص ۷۹) چنانکه در آیه ۹ سوره مبارکه مجادله می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما هر گاه با هم، سخنی به راز گوئید هرگز بر بزهکاری و دشمنی و مخالفت رسول نگویید بلکه بر نیکویی و تقوا راز به میان آرید و از خدا که به سوی او محشور خواهید شد بترسید و پرهیزکار شوید (مجادله، آیه ۹) تاکید شده که مسلمین و مومنین مجاز به معصیت رسول الله و بیان سخن ناصواب نسبت به حضرت نیستند، به همین سبب خداوند سبحان نسبت به عقوبت مرتکبین چنین اعمالی در قیامت هشدار داده است.

اقسام صبر

بر اساس متون دینی و منابع علم اخلاق می‌توان دسته‌بندی سه‌گانه‌ای برای مقوله صبر، برشمرد.

صبر بر طاعت، صبر بر مصیبت و صبر بر معصیت که موضوع این نوشتار است. قبل از اینکه به بحث اصلی نوشتار پرداخته شود، ابتدا توضیحی اجمالی درباره اقسام صبر مطرح خواهد شد

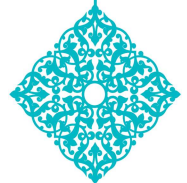
صبر در اطاعت

صبر در اطاعت به معنای آن است که در سلوک و حرکت به سمت خداوند و به هنگامه انجام واجبات و اطاعات دینی خستگی نکند و به نفس اماره برای متوقف کردن خویش از پیشرفت معنوی، میدان ندهد. (افق حوزه، ابان ۱۳۸۹، ش ۲۸۸) مرحوم امام خمینی (ره) در این باره بیانی دارند که می فرمایند: نبایستی نفس به هنگام اطاعت افسارگسیخته شود و انسان را از راه حق منحرف سازد. ایشان افسارگسیختگی را دو نوع می داند:

« و بطور کلی افسارگسیختگی در دو مقام اتفاق افتد که صبر در یکی از آنها از دیگری بسیار مشکلتر است: مقام اول که صبر در آن آسان است، افسارگسیختگی در ترک طاعات است. و صبر در این مرحله، مقاومت با نفس و شیطان کردن و اتیان کردن دستورات الهیه است با حدود شرعیه و شرایط و آداب قلبیه که اتیان به این شرایط و قیام به این آداب از مشکلات است، و ما در رساله آداب الصلاه شمه ای] از آداب و شرایط مطلق عبادات و خصوص نمازبان شد. مقام دوم که مشکلتر است صبر در آن، افسارگسیختگی پس از اتیان عمل و اطاعت است که نفس خود نگهدار باشد بطوری که قیام به آداب و شرایط ظاهره و باطنه عمل، عنان را از دست نگیرد، و او را مبتلا به عجب و کبر و دیگر توابع آن نکند (شرح حدیث جنود عقل و جهل (طبع جدید) متن ۶۱۴).»

صبر بر مصیبت

دومین قسم از اقسام صبر که در دیدگاه عرفی معمولاً صبر را به این معنا می شناسند، مساله صبر بر مصیبت است. معنای آن هم وضوح و روشنی دارد منتهی این قسم از صبر مراتب فراوانی دارند. برای نمونه انسانی که مصیبتی می بیند. یا شکوه و شکایت پیش مردم می برد و یا شکایتش را به خدا می برد. که هر دو نوع آن منفی است ولی بحسب استعداد افراد و مراتب کمالی و ادراکی که دارند این مساله متفاوت است. چند روایت از امیرالمومنین علیه السلام را در باب پاداش صبر بر مصیبت در اینجا ذکر می شود: ۱: امام علی (ع) با اشاره به توازن میان «صبر» و «مصیبت» می فرماید: «شکیبایی به اندازه مصیبت نازل می شود و کسی که دستش را به هنگام مصیبت بر زانو زند اجر او ضایع می گردد» (نج





البلاغه شریف رضی، حکمت ۱۴۴)، این سخن مایه تسلی مصیبت دیدگان است تا در مواجهه با مصیبت بی تابی نکنند؛ زیرا خدا صبر لازم را به آنها مرحمت خواهد کرد امام(ع) هنگام تسلیت به «اشعث بن قیس» فرمودند: «اگر صبر کنی اجر و پاداش خواهی داشت و اگر بی تابی کنی گناهکار خواهی بود». (مشکات الانوار فی غرر الاخبار، ج ۱، ص ۵۹۷) البته گریه در اسلام ممنوع نیست؛ زیرا سرچشمه عاطفی دارد و تنها بی تابی و اظهار ناشکری ممنوع است.

امام علی(علیه السلام) در حکمت ۱۴۴ «نهج البلاغه» به دو نکته اشاره می کند. نخست توازن در میان صبر و مصیبت و سپس بر باد رفتن اجر انسان به خاطر بی تابی و جزع. حضرت(علیه السلام) می فرماید: (صبرشکیبایی به اندازه مصیبت نازل می شود و کسی که دستش را به عنوان بی تابی و ناشکری به هنگام مصیبت بر زانو زند اجر او ضایع می گردد و پاداشی در برابر مصیبت نخواهد داشت) (نهج البلاغه دشتی حکمت ۱۴۴) (نَزَلَ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ، وَ مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخِذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَبَطَ عَمَلُهُ)) : چنان که در ضمن حکمت ۲۹۱ آمده که حضرت علی(علیه السلام) به هنگام تسلیت به «اشعث بن قیس» درباره مرگ فرزندش فرمود: اگر صبر کنی مقدرات انجام می شود و تو اجر و پاداش خواهی داشت و اگر بی تابی کنی بازهم مقدرات انجام می شود و تو گناهکار خواهی بود(نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۹۱). این مطلب در «بحارالانوار» نیز با اندک تفاوتی از امام امیرالمؤمنین(علیه السلام) نقل شده است.

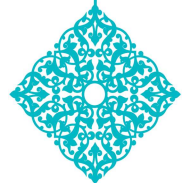
صبر بر معصیت

صبر بر معصیت همان طور که گذشت معنایش مقابله با نفس در برابر خواسته ها و هوس های منفی اوست و این قسم تفاوتی که با اقسام دیگر دارد در سطح برتر آن است. به این معنا که انسانی که بر نفس خود در هنگامه معصیت تسلط پیدا کند برتر از کسی است که بر معصیتی صبر می نماید و تا انسان خود را در برابر معصیت مقاوم نسازد و نفس را در این جهت سرکوب ننماید میل به اطاعت در او شدت پیدا نمی کند و در بعد اطاعت قوی نمی شود. امام خمینی در کتاب حدیث عقل و جهل این مساله را این گونه تبیین کرده اند: «درجه سوّم از صبر، صبر در معصیت است که انسان در جهاد با نفس و

جنود ابلیس خودداری و صبر کند، و به واسطه پافشاری و مصابرت، بر آنها غلبه کند. و از برای این درجه، مقامات و حقایق و رقایق بسیار است، و در هر درجه صبر در این مقام مشکلتر و دقیقتر از صبر در طاعات است؛ بلکه اگر کسی از این ورطه گذشت، صبر در طاعات برای او سهل و آسان شود. پس مهمتر از هر چیز از برای سالک الی الله، صبر در معصیت است.

همچنین، همان طور که صبر در مجاهده با قوه شهوت و غضب و شیطنت - که منشأ معاصی صوریه اند - از اشقّ امور است بر انسان، و از طاعات صوریه قیام بر آن بسیار مشکلتر است، همین طور قیام در مقابل شیطان بزرگ و نفس - که مبدأ معاصی قلبیه و باطنیه هستند - و صبر در مجاهده با آنان از مشکلترین مجاهدات است؛ زیرا که در این مجاهده باید طرح الکوئین و رفض النشأتین شود و باید سالک قدم بر فرق خود گذارد و بت بزرگ خودی و انانیت را از کعبه دل به دست ولایت مآبی فرو ریزد و بشکند تا به حقایق اخلاص قدم نهد، و به سراپر خلوص باریابد، و این جز با دستگیری خدائی و توفیق یزدانی صورت نیندد. (شرح حدیث جنود عقل و جهل ص ۱۴۷) «

تمام آنچه انسان در کمال خود بدان نیاز دارد در متون دینی ما از جمله قرآن و روایات مطرح شده است و برای نمونه در روایتی نورانی تمام این اقسام سه گانه در کلامی حکیمانه بیان شده است. کافی به سند خود از عمرو بن شمر یمانی، از علی (ع) روایت کرده که فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: صبر بر سه قسم است: صبر در معصیت، و صبر در طاعت، و صبر در معصیت، هر کس بر مصیبتی صبر کند تا با خوشی و تحمل آنرا بگذراند خداوند برایش سیصد درجه می نویسد، که ما بین هر درجه تا درجه دیگر به قدر ما بین آسمان و زمین باشد. و کسی که بر اطاعت خدا صبر کند، خداوند برایش ششصد درجه می نویسد، که میان هر درجه با درجه دیگر به قدر ما بین مغز زمین تا عرش فاصله باشد. و کسی که بر معصیتی صبر کند خداوند نهصد درجه برایش می نویسد، که میان یک درجه تا درجه دیگر به قدر میان مغز زمین تا منتهای عرش فاصله باشد (اصول کافی، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۵، ط بیروت). همان گونه که دیده می شود صبر بر معصیت از دو قسم دیگر صبر برتر شمرده شده اند و پاداش بیشتری برای آن آمده است. آیت الله جوادی





آملی در این باره می‌فرماید: «معمولاً صبر از معصیت از صبر بر طاعت و صبر بر طاعت از صبر بر مصیبت دشوارتر است: چه بسا افرادی که بر مصائب زندگی صبر می‌کنند؛ اما در مسیر اطاعت بی‌صبرند؛ یا صبر بر طاعت دارند؛ اما هنگامی که زمینه‌گناهی برای آنان فراهم شود، بی‌صبری می‌کنند و می‌لغزند. از آن سو کسانی که در ترک معصیت صابرند، معمولاً صبر بر طاعت و مصیبت نیز دارند و آنان که در اطاعت خدا صابرند، صبر بر مصیبت نیز دارند. در حقیقت ثواب موعود در این روایت به صبر از معصیت به جهت برخوردار بودن آن از دو مرحله قبلی و ثواب موعود به صبر بر طاعت به لحاظ بهره‌مندی آن از یک مرحله پیشین است. بدین ترتیب کمتر بودن ثواب صبر بر مصیبت از آن جهت است که مرحله قبلی ندارد. (ادب فنای مقربان ج ۵ ص ۶۷۹)» پس از تبیین اقسام صبر و معنای صبر معصیت که هدف اصلی نوشتار حاضر است. اینک به بررسی آثار آن پرداخته می‌شود.

آثار صبر بر معصیت

به طور کلی از آن جایی که صبر بر معصیت یک رفتار سلوکی و از مصادیق تقواست و بلکه از بارزترین مصادیق تقواست. بنابراین هر اثری برای تقوا و متعین در نظر گرفته شود

شامل صبر بر معصیت می‌شود. چه پیامدهای فردی و چه پیامدهای اجتماعی که تقوا دارد برای این نوع متعالی از صبر هم ثابت است. با این وجود در بررسی متون دینی روایاتی دیده می‌شود که به طور اختصاصی برای این کنش انسان نیز آثار و فوایدی را بر شمرده اند که اینک به مطالعه و تحلیل این دسته از روایات پرداخته می‌شود

پاداش‌های اخروی

بدون شک تمام رفتارهای ما - خواه رفتاری مثبت و یا منفی باشند. - به حکم مقدمه و مزرعه بودن دنیا نسبت به آخرت دارای بازتاب‌های اخروی هستند. از آن جایی که جهان آخرت عالم‌عقوبت و جزاست. صبری که انسان مومن برابر گناه دارد و دامن جان را از آلوده شدن به گناه ننگه می‌دارد. دارای پاداش فراوانی است. با توجه به این مطلب

در روایاتی از ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین برای پاداش صبر بر مصیبت بیان هایی آمده است که برخی در اینجا مطرح می شود.

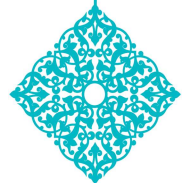
«امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۲۴۴ نهج البلاغه درباره اجر صبر می فرماید:

صبر یا صبر بر بلیه و مصیبت یا صبر بر اطاعت و بندگی و عبودیت یا صبر از گناه و مصیبت است و این قسم سوم از دو قسم اول بالاتر و پرازش تر است.

- صبر بر مصیبت - این دنیا دار تراحم و تضاد است، و در نتیجه مشتمل بر مصائب و بلا خورد بود، بهره جستن از کام دنیا مستلزم این مصائب است، چنانکه گل چیدن از دامان درخترفتن خار در دست چه بسا قرین است، برداشتن عسل از کندوی عسل هم در برخی موارد با نیشزنبور همراه است، باری دنیا نه گلشنش بی خار و نه نوشش بی نیش استاگر دنیا را برای خودش خواهی، یا برای آخرت، در هر دو صورت محفوف و پیچیده به مشکلات بلایا است (الدنيا محفوفة بالبلا) در هر دو صورت استقامت لازم دارد، چه مرد دنیا باشی و چه مرد آخرت، هیچکدام از این قانون «مصاحبت با مصائب» مستثنی نیستند.

صبر بر مصیبت و بلاها را به دو قسم تقسیم کرده اند: ۱: به صورتی که انسان می تواند اذیت کنو بلا رساننده را مکافات و از او انتقام گیرد- به صورتی است که انسان قدرت انتقام را ندارد، خواه بلا رساننده و موجب ناراحتی، انسان باشد، و خواه حوادث روزگار و پیشامدهای ناگوار خواه طرف مقابل جاهل و یا عامد باشد، چه بسا در اثر صبر شما، بیدار و نادم و پشیمان شدند و برای همیشه حق ادب و اخلاق را نسبت به شما اداء کند، در صورتی که مقاومت و انتقام پذیری کاری را حل نخواهد کرد بلکه طرف مقابل جری تر شده و مساله دنباله دار خواهد شد. در روایتی دیگر نیز اینگونه آمده است که:

«علی ابن ابی طالب از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود. صبر بر سه قسم است. ۱- صبر در برابر مصیبت ۲- صبر در موضع اطاعت و فرمانبری ۳- صبر در برابر مصیبت و گناه. کسی که هنگام مصیبت و گرفتاری صبر کند خداوند متعال سیصد درجه و رتبه او عنایت فرماید که ارتفاع هر درجه ای از دیگری باندازه ما بین آسمان و زمین است. و کسی که صبر بر طاعت داشته باشد خداوند شش صد درجه به او خواهد





داد که ارتفاع هر یک از دیگری باندازه ما بین زمین تا عرش الهی است، و کسی که صبر در برابر معصیت و گناه داشته

باشد خداوند هفتصد درجه به او عطا فرماید که ارتفاع هر یک دو برابر اندازه ما بین زمین تا نهایت و آخرین نقطه عرش است عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عَلَى الْمَصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَصِيبَةِ أُعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ ثَلَاثِمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ مَنْ صَبَرَ عَلَى الطَّاعَةِ كَانَ لَهُ سِتْمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَعْصِيَةِ سَبْعِمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ مَا بَيْنَ مُتَهَيِّ الْعَرْشِ إِلَى الثَّرَى مَرَّتَيْنِ» (بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۶۸؛ ص ۹۲).

۳۳

در صورت نخست اشکالی در عقوبت کردن و انتقام گرفتن نیست، ولی صبر بسیار زینده استهمان گونه که قبلاً نیز گذشت، صبر بر معصیت از اقسام دو گانه دیگر صبر فضیلتی برتر دارد و این روایت نیز به خوبی آن را نشان داده است. حضرت امیر علیه السلام در صبر بر طاعت و مصیبت ضمن اینکه درجات کمتری را بیان کرده است. فاصله هر درجه تا درجه دیگر را از زمین تا آسمان آورده است. ولی در مرتبه عالی صبر که صبر بر معصیت است فاصله را دوبرابر بیان کرده اند و این وعده الهی است. دلیلش هم روشن است زیرا این صبر به مراتب سخت تر و ارزشی بیشتر دارد. گاهی انسان می گوید اگر فلان عمل را انجام دادید این میزان به تو جزا می دهم و جزای بسیار بالایی را در نظر می گیرد گاهی نیز می گوید اگر فلان عمل را انجام دادید هر چه طلب کنی نصیب می شود. این دست را باز گذاشتن یک محرک با اثر گذاری بیشتری است.

صبر در کلام امام سجاد علیه السلام: (خدایا! مرا طاقت بر مشقت و شکیبایی بر مصیبت و قدرت ب تنگ دستی نیست؛ پس روزیم را دریغ مکن و مرا به بندگانت وامگذار؛ بلکه خود به تنهایی حاجتم را برآور و کارساز من باش. صبر معنای وسیع و گسترده‌ای دارد که هم صبر بر اطاعت را شامل می‌شود، هم صبر در برابر انگیزه‌های معصیت، و هم صبر در برابر مصایب و حوادث ناگوار و از دست دادن نیروها و سرمایه و ثمراتصوفاً هر انسانی بعد از این که بصیرت و شناخت واقعی نسبت به حضرت حق پیدا کرد و قدم در

مسیر عمل و اطاعت گذاشت با موانع و مشکلاتی روبرو خواهد شد که اگر استقامت و صبر نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند احقاق حق کرده و عمل صالح خود را حفظ کند و به عبارت دیگر احقاق حق، اجرای حق، ادای حق در جامعه جز با یک حرکت و تصمیم‌گیری عمومی و استقامت در برابر موانع ممکن نیست. این روایات این دو سبک برخورد شده است. در همین مساله صبر بر معصیت یک روایت همان بود که در بالا گذشت و روایت دیگر روایت کلینی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که می‌فرماید: « هر کس به خاطر ترس از خدا گناه را ترک کند خداوند روز قیامت او را راضی خواهد نمود (مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۸؛ ص ۷۸: مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةً لِلَّهِ مَخَافَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْضَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)» روایت شریفه: هر کس به خاطر خدای سبحان از چیزی بگذرد خدا بهتر از آن را به او عطا می‌کند. (بحار الانوار ج ۵۷ ص ۲۳۰) مَنْ تَرَكَ لِلَّهِ شَيْئًا عَوَّضَهُ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهُ (نیز از همین دسته دوم استعلامه طباطبایی در تفسیر المیزان کریمه قرآنی (إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (سوره هود آیه ۱۱۵) را این گونه توضیح می‌دهند: (و بردبار باش که همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند)، پس (صبر) در مکارم اخلاقی و (نماز) در عبادات از بزرگترین ارکان به شمار می‌روند (سوره بقره، آیه ۴۵) اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ از صبر و نماز مدد بجوید، و اجتماع بین آن دو بهترین وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان بر مصائب و ناملایمات زندگی فائق آمد، چون صبر نفس انسان را از جزع و فزع و اضطراب نگاه می‌دارد و نماز نفس را متوجه پروردگار نموده و در نتیجه تحمل ناملایمات را بر آدمی آسان می‌کند و از اینکه به طور مطلق امر به صبر نموده استفاده می‌شود که مراد از صبر اعم از: صبر بر عبادت، صبر در مصیبت و صبر بر معصیت می‌باشد و در خصوص اینجا بیشتر تأکید در صبر در برابر اوامر و امتثال از نواهی الهی است که در آیات سابق آمده است.

تضعیف گرایش‌های نفسی و تقویت گرایش‌های فطری

انسان دو نوع گرایش و میل وجودی دارد. یک دسته از گرایش‌هایی که انسان دارد گرایش‌های پاک و مثبت است و دسته‌ای دیگر اما گرایش‌هایی است که منفی و در مقابل این هاست. آنچه از متون دینی به دست می‌آید این است که امیال منفی انسان ریشه در





نفس او دارد و امیال مثبت زیر سر بعد نوری و روحی وفطرت الهی اوست. این دو گرایش رابطه ای تقابلی دارند و هر چه انسان به امیال فطری بپردازد دسته مقابل ضعیف تر می شود و انسان به آن حقیقت فطری اش نزدیک تر می شود و سیر کمالی طی می کند و هر چه دایره را برا نفس پاک تر بگذارد طرف مقابل آن یعنی فطرت ضعیف می شود (دیدگاه‌های روان‌شناختی آیت الله مصباح یزدی، ص ۱۳۶).

بنابراین صبر در برابر معصیت و میدان ندادن به نفس برای تامین امیال منفی خود اثرش بهره برداری بیشتر انسان از نور فطرت خویش است. آیت الله مکارم شیرازی در کتاب شریف تفسیر نمونه این بحث را مطرح کرده اند و این چنین توضیح داده اند :

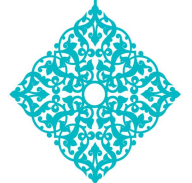
« نه تنها در آیات این سوره، از تأثیر گناه در تاریک ساختن دل سخن گفته شده، که در بسیاری دیگر از آیات قرآن مجید نیز این معنی به طور مکرر، و با صراحت مورد توجه قرار گرفته است. (تفسیر نمونه ج ۲۶ ص ۲۶۵) در یک جا می فرماید: «این گونه خداوند بر قلب هر متکبر طغیانگری مهر می نهد» (سوره غافر آیه ۳۵) كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارًا. و در جای دیگر، درباره گروهی از گنهکاران لجوج و عنود می فرماید: «خداوند بر دل های آنها مهر نهاده، و همچنین بر گوش های آنها، و بر چشم هایشان پرده ای فرو افتاده، و برای آنها عذاب بزرگی است». (سوره بقره آیه ۷) خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.))

و در آیه ۴۶ سوره «حج» می خوانیم: «چشم های ظاهر نابینا نمی شود، بلکه دل هائی که در سینه ها جای دارد نابینا می گردد». (سوره حج آیه ۴۶) فَإِنَّهَا لَتَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ)) آری، بدترین اثر گناه و ادامه آن، تاریک ساختن قلب، و از میان بردن نور علم و حس تشخیص است، گناهان از اعضاء و جوارح سرازیر قلب می شوند، و قلب را به یک باتلاق متعفن و گندیده مبدل می سازند، اینجاست که انسان راه و چاه را تشخیص نمی دهد، و مرتکب اشتباهات عجیبی می شود که همه را حیران می کند. با دست خود، تیشه به ریشه سعادت خویش می زند و سرمایه خوشبختی خویش را به باد فنا می دهد. در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «گناهان زیاد قلب انسان را فاسد می کند» كَثْرَةُ الذُّنُوبِ مَفْسَدَةٌ لِلْقَلْبِ (درالمثنور، ج ۶، ص ۳۲۶) و در

حدیث دیگری از همان حضرت وارد شده است: «هنگامی که بنده گناه کند، نکته سیاهی در قلب او پیدا می شود، اگر توبه کند، از گناه دست بردارد و استغفار نماید، قلب او صیقل می یابد، و اگر باز هم به گناه برگردد سیاهی افزون می شود، تا تمام قلبش را فرا می گیرد، این همان زنگاری است که در آیه ۱۴ سوره مبارکه مطففین به آن اشاره شده است. *إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا نَكَتَتْ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ، فَإِنْ تَابَ وَ نَزَعَ وَ اسْتَغْفَرَ صَقَلَ قَلْبُهُ، وَ إِنْ عَادَ زَادَتْ حَتَّى تَعْلُو قَلْبَهُ، فَذَلِكَ الرَّيْنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ: كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ* (تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۷۵).

تقرب به خداوند متعال

اثر دیگری که به هنگامه صبر بر معصیت نصیب آدمی می شود. تقرب به خداوند متعال است. به طور کلی در تمامی اقسام صبر و در اصل تقوا چنانچه انسانی متقی باشد و در برابر حوادث و مصائب و مصیبت صبر نماید، نتیجه طبیعی آن قرب خداوند متعال است. از این منظر این اثر را هم می توان با عنایت به روایاتی که ذکر می شود، از جمله آثار صبر بر معصیت دانست و هم از آثار تقوا، گرچه نیازمند توضیح نیست که صبر بر معصیت خود از مصادیق ورع و تقوای الهی است و از این منظر دوگانگی در میان آنها وجود ندارد. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، بابی پیرامون آثار اجتناب از محارم آورده است. که دو روایت از آن صراحتی در بحث مورد نظر دارند. روایت اول اصلی ترین عامل تقرب انسان به خداوند متعال را خود داری از گناهان یا همان صبر به هنگامه معصیت می داند که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: خداوند عزوجل به حضرت موسی علیه السلام فرمود که ای موسی مقربان درگاه من با هیچ چیز بهتر از ورع و خودداری از محارم الهی به من نزدیک نشدند پس به درستی که من جنات عدن را بر آنان مباح کردم و بدان که هیچکس را در این مقام با آنان شریک نکردم. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مُوسَى ع يَا مُوسَى مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أُبِيحُهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ لَأُشْرِكُ مَعَهُمْ أَحَدًا» (الكافی، ج ۲؛ ص ۸۰). روایت دیگری در همین باب آمده است که می فرماید: از امام صادق (ع) که در تفسیر قول خدا عز و جل (۴۶) سوره رحمان: «و برای هر که از مقام پروردگار خود ترسد دو بهشت است» فرمود: هر





که بداند که خدا عز و جل او را ببیند، و بشنود هر چه گوید و کند، از خوب و بد، و این دانش او را از کردار زشت باز دارد، هم او است که از مقام پروردگارش ترسیده و خود را از هوای نفس باز داشته‌است (کافی ج ۲ ص ۸۰) دَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ الرَّقِّيَّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ قَالَ مَنْ عَلمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُهُ وَ يَفْعَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ فَيَحْجُزُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى.

از مجموع این دو روایت این گونه برداشت می‌شود که صبر بر معصیت موجب تقرب الهی است و باعث می‌شود انسان به خداوند متعال تقرب پیدا کند و در نتیجه از آثار قرب الهی بهره مند شود.

رسیدن به مراتب برتر ایمان

مطابق روایات ماثوره از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم یکی دیگر از آثار صبر بر معصیت رسیدن به مراتب برتر ایمان است. در روایت زیبایی که شیخ صدوق در کتاب شریف علل الشرایع آورده است. دین اسلام را به مثابه درختی مثال زده است که نماز و برخی دستورات دیگر دینی که خواهد آمد حکم ریشه، تنه و شاخ و برگ درخت را دارند. ولی ثمره درخت ایمان را تن ندادن به خواهش های نفس و ترک گناهان دانسته است. صبر بر معصیت همان گونه که معنا شد یعنی لگام زدن بر نفس به هنگامی که میل به گناه دارد و تن ندادن به خواهش های نفسی است. بعبارتی صبر بر معصیت همان ترک گناهان است آن وقتی که نفس میل به آن پیدا کرده است. از این روی در مرتبه بالای ایمان کسی قرار دارد که این میل را مهار کند و گناه نکند. مطابق روایت شریفه علل الشرایع دین آمده است تا ثمر بدهد و ثمر آن صبر بر گناه و در دام معصیت قرار نگرفتن است. روایت به این شکل آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند : مثل این دین مثل درختی است که ایمان اصل آن است و نماز حکم رگ و ریشه آن را دارد . آب آن زکات است . شاخه های آن روزه است، برگ آن حسن رفتار با مردم است و نگه داشتن نفس از گناه هم ثمره آن است. پس درخت تکمیل نمی‌شود مگر با دادن ثمره از این روی ایمان نیز تکمیل نمی‌شود مگر با نگه داشتن نفس از گناهان . (علل

الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۲۴۹) «إِنَّ مَثَلَ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ الْإِيمَانُ أَصْلُهَا وَالصَّلَاةُ عُرْوَتُهَا وَالزَّكَاةُ مَأْوَاهَا وَالصَّوْمُ سَعْفُهَا وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَرَقُّهَا وَالْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ ثَمَرُهَا فَلَا تَكْمُلُ شَجَرَةٌ إِلَّا بِالثَّمَرِ كَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَكْمُلُ إِلَّا بِالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ» همان طور که از روایت پیداست کف نفس از گناه ثمره ایمان است و ایمان تکمیل نمی شود مگر به واسطه این رفتار، یعنی انسان مومن به مراتب نهایی ایمان نمی رسد مگر اینکه ترک گناه کند

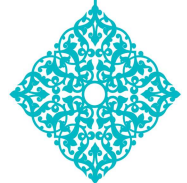
نتیجه گیری

از رهگذر این نوشتاری نتایجی به دست آمده است. که به صورت کلی و فارغ از مستند ساز دوباره می توان به آنها این گونه اشاره نمود. بر اساس متون دینی و با تصریحی که از روایات اهل بیت علیهم السلام وجود دارد، صبر دارای اقسامی سه گانه است. صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت. معنای صبر بر معصیت این است که هنگامی که میل نفس انسان را به سمت مخالفت خداوند متعال می کشاند انسان این میل را اجابت نکند و آن را لیبیک نگوید. این عدم لیبیک و تن ندادن به خواسته نفس آثاری را برای انسان به دنبال دارد که می توان از جمله این آثار را پاداش های دنیوی دانست.

از طرفی تن ندادن به خواسته نفس باعث می شود آن نوری فطری و دیعه قرار داده شده در سرشت آدمی خود را نشان دهد و نفس تضعیف گردد و در نتیجه انسان بر نفس مسلط شود و راه را برای مسلط شدن نفس بر انسان ببندد. در نتیجه این مراتب و مراحل که انسان طی می کند به قرب الهی برسد و متنعم از نعم اخروی و جنت لقای الهی گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم .
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۰.
۳. نهج البلاغه، ترجمه علی نقی فیض الاسلام اصفهانی.
۴. صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان، ۱۳۹۸.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش .
۶. السیوطی جلال الدین، الدر اللامثور، بیروت، دارالفکر ۱۴۳۰ق





۷. جمال احمد نجم، واکاوی واژه مصیبت در قرآن، مترجم فروزان خاموشی، تهران، افق علم، ۱۳۹۷
۸. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم: اسراء ۱۳۸۹ ه ش
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، محقق و مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، ج ۲، ص ۷۰۶، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق
۱۰. حسن بن فضل طبرسی، ترجمه مهدی هوشمند، مشکات الانوار فی غرر الاخبار، دارالتقلین، ۱۳۹۲ ش، قم
۱۱. خمینی، سید روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مترجم اصغر مددی، قم، کتابستان معرفت ۱۳۹۵
۱۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، ۱۴۱۶ ق، بیروت، دارالعلم.
۱۳. ری شهری محمد، میزان الحکمه، دارالتحقیق، ۱۴۱۶ ق، قم
۱۴. شاکر، کمال مصطفی، ترجمه خلاصه تفسیر المیزان، ۴جلد، اسلام - تهران، چ سوم، بی نا، بی تا.
۱۵. شجاعی محمد صادق، دیدگاه های روانشناختی آیت الله مصباح یزدی، قم: موسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.

۲۰. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق و مصحح: شیرى، على، ج ۷، ص ۷۱، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۲۱. هاشمی، حسین اخلاق در نهج البلاغه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۳.

